

یادداشت



ابراهیم قاسمیور

سرورپی پیشین تیم امید

المپیک با معجزه فتح نمی شود

انتخاب یحیی گل محمدی به عنوان سرمربی تیم فوتبال امید، بار دیگر امیدها را برای پایان دادن به طلسم ۵۲ ساله صعود به المپیک زنده کرده است؛ طلسمی که با وجود تغییرات متعدد روی نیمکت، همچنان پایرجاست. گل محمدی از مربیان باتجربه فوتبال ایران است و توانایی فنی و مدیریتی او می تواند به تیم امید کمک کند، اما انتخاب یک سرمربی شایسته به تنهایی تضمین کننده موفقیت نیست. صعود به المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس به مجموعه‌ای از عوامل فنی، مدیریتی و تدارکاتی وابسته است که باید از هم اکنون برای تحقق آن برنامه‌ریزی شود.

هدایت تیم امید با مربیگری در فوتبال باشگاهی تفاوت‌های مهمی دارد. سرمربی باشگاهی معمولاً بازیکنانش را در طول فصل در اختیار دارد و فرصت کافی برای اجرای برنامه‌های تاکتیکی و اصلاح نقاط ضعف تیم پیدا می کند. در تیم امید، محدودیت زمان اردوها، تداخل مسابقات باشگاهی و دشواری دسترسی به بازیکنان، کار را پیچیده می کند.

گل محمدی برای موفقیت به فرصت آماده‌سازی مناسب، بازی‌های تدارکاتی باکیفیت و حمایت کامل فدراسیون نیاز دارد. هیچ مربی حرفه‌ای نمی تواند نتیجه مسابقات را تضمین کند؛ همان طور که نمی توان تمام مسئولیت ناکامی های احتمالی را بر دوش سرمربی گذاشت. ارزیابی عملکرد او باید با توجه به امکانات، کیفیت بازیکنان و شرایط آماده سازی صورت بگیرد.

ژاپن، کره جنوبی، عربستان، عراق و ازبکستان از رقبای مهم ایران در مسیر رقابت‌های ده زیر ۲۳ سال آسیا هستند. پیشرفت ازبکستان در فوتبال پایه نشان داده است که دیگر نمی توان با تکیه بر سابقه و نام فوتبال ایران، انتظار پیروزی مقابل رقیب را داشت. سرمایه گذاری، برنامه ریزی اصولی و حضور مستمر در مسابقات بین المللی، سطح رقابت در آسیا را افزایش داده است.

کادر فنی تیم امید باید با آنالیز دقیق رقیب، شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها و برگزاری بازی‌های دوستانه هدفمند، تیمی آماده بسازد. اردوها نیز باید بر اساس اهداف فنی مشخص طراحی شوند و فرصت کافی برای ایجاد هماهنگی میان بازیکنان فراهم کنند.

یکی از مشکلات همیشگی تیم امید، رسیدن بازیکنان به اردوها و تداخل برنامه تیم ملی با مسابقات باشگاهی ست. باشگاه‌ها برای جذب و پرورش بازیکنان جوان هزینه می کنند و منافع ورزشی خود را در نظر می گیرند؛ بنابراین، نمی توان بدون هماهنگی قبلی انتظار داشت همه بازیکنان در زمان مورد نیاز در اختیار تیم امید باشند.

راهکار این مسأله، تعامل میان فدراسیون، سازمان لیگ، باشگاه‌ها و کادر فنی است. تقویم اردوها باید از ماه‌ها قبل تنظیم شود تا باشگاه‌ها بتوانند برنامه‌های خود را با آن هماهنگ کنند. بررسی وضعیت بازیکنان جوانی که فرصت چندانی برای کسب تجربه در ترکیب اصلی باشگاه‌هایشان ندارند نیز می تواند گزینه‌های بیشتری

در اختیار گل محمدی قرار دهد. البته انتخاب این بازیکنان باید بر اساس آمادگی بدنی، توانایی فنی و نیازهای تاکتیکی تیم انجام شود.

تکرار ناکامی های تیم امید نشان می دهد که بررسی عملکرد سرمربیان به تنهایی کافی نیست. تغییرات مکرر روی نیمکت، آماده سازی نامنظم و نبود برنامه بلندمدت، از جمله مواردی هستند که باید در عملکرد مدیریتی فدراسیون بررسی شوند.

مدیران فوتبال باید با بهره گیری از دانش روز مدیریت ورزشی و تجربه کشورهای موفق، برای مشکلات ساختاری راهکار پیدا کنند. تجربه مربیانی مانند حسین عبیدی نیز باید با در نظر گرفتن امکانات، کیفیت بازیکنان و شرایط آماده سازی ارزیابی شود تا تصمیم های شتاب زده جای تحلیل کارشناسی را نگیرد.

فدراسیون باید پروژه صعود به المپیک را به برنامه ای اجرایی تبدیل کند؛ برنامه ای شامل تقویم دقیق اردوها، مسابقات تدارکاتی مناسب، شناسایی بازیکنان مستعد، آنالیز رقیب و پیش بینی چالش هایی مانند مصدومیت یا عدم حضور بازیکنان.

سرمربی تازه تیم امید می تواند نقش مهمی در پایان دادن به طلسم صعود داشته باشد، اما موفقیت این پروژه به همکاری همه ارکان فوتبال وابسته است. اگر باشگاه‌ها، فدراسیون و کادر فنی در مسیر مشترکی حرکت کنند، امید به حضور در المپیک ۲۰۲۸ واقع بینانه تر خواهد شد. در غیراین صورت، تغییر سرمربی نیز ممکن است به تکرار تجربه های ناموفق گذشته منجر شود.

«ایران» علل تداوم ناکامی تیم فوتبال امید ایران در مسیر صعود به المپیک را بررسی می کند

یورش دوباره به طلسم ۵۲ ساله

سینا حسینی / تکرار سناریوی همیشگی در فوتبال امید ایران، بار دیگر این تیم را در آستانه مسیری دشوار قرار داده است؛ ناکامی در یک رقابت ورزشی، تغییر در کادر فنی و آغاز دور تازه‌ای از امیدواری‌ها، بی آنکه هنوز نشانه روشنی از اصلاح ریشه‌ای مشکلات گذشته دیده شود. حذف از بازی‌های آسیایی ناگویا، کناره‌گیری حسین عبیدی و انتخاب یحیی گل محمدی به عنوان سرمربی جدید، تازه‌ترین حلقه از زنجیره تغییراتی است که طی سال‌های گذشته بارها در تیم امید تکرار شده، اما هنوز نتوانسته طلسم صعود به المپیک را بشکند؛ طلسمی ۵۲ ساله که فوتبال ایران را از بازگشت به بزرگ‌ترین میدان ورزشی جهان در رشته فوتبال محروم کرده است. حالا لس آنجلس ۲۰۲۸ پیش روی فوتبال ایران قرار دارد؛ فرصتی تازه برای یورش به این طلسم قدیمی که اگر قرار باشد با همان الگوی آشنای تصمیم‌گیری‌های مقطعی و تغییرات پیاپی دنبال شود، ممکن است به سرنوشتی مشابه تلاش‌های پیشین دچار شود. پرسش اصلی دیگر فقط این نیست که چه کسی روی نیمکت تیم

امید می‌نشیند، بلکه این است که آیا قرار است این بار چیزی در شیوه اداره، برنامه‌ریزی و حمایت از این تیم تغییر کند یا بار دیگر با جابه‌جایی نام‌ها، همان سناریوی همیشگی را از ابتدا به تماشا بنشینیم؟

تغییر سرمربی پس از ناکامی، یکی از واکنش‌های تکراری و همیشگی فوتبال ایران است. در سال‌های گذشته، مربیان متعددی هدایت تیم امید را برعهده گرفته‌اند؛ از علیرضا منصوریان و محمد خاکپور تا زالکو کرانچار، فرهاد مجیدی، مهدی مهدوی کیا، رضا عنایتی، امید روانخواه و حسین عبیدی. تغییر نام‌ها، انتظارات تازه‌ای ایجاد کرده، اما نتیجه نهایی همچنان یکسان مانده است؛ صعود نکردن به المپیک.

انتخاب یحیی گل محمدی می‌تواند فرصتی برای ایجاد ثبات فنی و بازسازی اعتماد به تیم باشد. تجربه او در فوتبال باشگاهی و شناختش از ظرفیت بازیکنان داخلی، امتیازی قابل توجه است، اما نام سرمربی به تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیست. پرسش اصلی این است که آیا فدراسیون فوتبال حاضر است

به مربی جدید فرصت کافی، اختیار روشن و امکانات لازم برای اجرای برنامه‌ای بلندمدت بدهد یا اولین نتیجه نامطلوب، بار دیگر زمینه تغییرات تازه را فراهم کند؟

خواهد کرد؟ اگر قرار باشد سرمربی جدید نیز در فضایی محدود از نظر زمان آماده‌سازی، دسترسی به بازیکنان و مسابقات تدارکاتی فعالیت کند، نمی‌توان انتظار داشت تغییر روی نیمکت به تنهایی نتیجه‌ای متفاوت رقم بزند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات تیم امید، دشواری دسترسی منظم به بازیکنان است. تعارض برنامه مسابقات باشگاهی با اردوهای ملی، محدودیت زمان آماده‌سازی و کمبود بازی‌های تدارکاتی باکیفیت، شرایطی ایجاد می‌کند که حتی بهترین کادر فنی نیز برای ساختن تیمی هماهنگ با دشواری روبه‌رو شود. اظهارات پیشین اعضای کادر فنی درباره نیاز به اردوهای خارجی و مسابقات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد فاصله میان نیازهای فنی و امکانات آماده‌سازی باید جدی گرفته شود.

تیمی که قرار است در رقابت‌های فشرده قاره‌ای جهانی برای جبران اشتباهات باقی نمی‌گذارد، ایران

باید تیمی رقابت‌پذیر بسازد که توان عبور از مرحله گروهی و مراحل حذفی را داشته باشد و در نهایت به فینال برسد. چنین هدفی با اردوهای پراکنده، تغییرات مداوم و تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده دست‌یافتنی نخواهد بود. تیم امید باید پیش از آغاز رقابت‌های سرنوشت‌ساز، به ترکیبی باثبات، هویت تاکتیکی مشخص و تجربه کافی در مواجهه با حریفان قدرتمند آسیایی دست پیدا کند.

طلسم صعود نکردن به المپیک با تغییر یک نام روی نیمکت شکسته نمی‌شود. گل محمدی باید درباره کیفیت فنی تیم، انتخاب بازیکنان و نتایج آن پاسخگو باشد؛ همان‌طور که مدیران فدراسیون نیز باید مسئولیت تصمیم‌های مدیریتی و فراهم کردن شرایط آماده‌سازی را بپذیرند. نسبت دادن همه ناکامی‌ها به مربیان، راهی آسان برای عبور از انتقادهاست، اما به اصلاح ساختار منجر نمی‌شود. از طرفی نادیده گرفتن مسئولیت کادر فنی نیز نمی‌تواند توجیهی برای نتایج ضعیف باشد. آنچه اهمیت دارد، تعریف دقیق وظایف، تعیین معیارهای سنجش عملکرد و پاسخگویی همه بخش‌های ذخیل در اداره تیم است.



منبع: فدراسیون فوتبال ایران

من عذاب می کشم وقتی می بینم برای ثبت نام بازیکنان پایه از مبالغ ۲۰۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان صحبت می شود و بعد وعده های پوچ می دهند

داشته باشند، چون برنامه ریزی دقیقی وجود ندارد. تقویم مسابقات باید طوری تنظیم شود که بازی‌های باشگاهی و ملی با یکدیگر تداخل نداشته باشند. در فوتبال اروپا، تیم‌ها می‌دانند چه زمانی در لیگ داخلی و چه روزی در رقابت‌های اروپایی بازی خواهند کرد و برنامه خود را براساس تقویم مشخص تنظیم می‌کنند. اما در ایران، گاهی مسابقات با هم تداخل دارند و همین مسأله کار باشگاه‌ها و تیم‌های ملی را دشوار می‌کند. فدراسیون باید با آگاهی از برنامه‌های فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا، تقویمی دقیق تدوین کند تا باشگاه‌ها و تیم ملی بتوانند هماهنگ پیش بروند.

آیا گل محمدی می‌تواند طلسم صعود نکردن تیم امید به المپیک را بشکند؟

من به توانایی گل محمدی امیدوارم، اما نباید همه مسئولیت را بر دوش او گذاشت. موفقیت تیم امید به تغییر نگرش مدیران، استفاده از مربیان باتجربه، همکاری باشگاه‌ها و برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز دارد. فوتبال ایران نیروهای توانمند دارد، اما باید فرصت کار به آنها داده شود. اگر فدراسیون بتواند ساختاری منظم ایجاد کند و به پرورش ذهنی و فنی بازیکنان توجه داشته باشد، انتخاب گل محمدی می‌تواند نقطه شروع خوبی باشد. در غیر این صورت، انتظار پایان دادن به ناکامی‌های چندین ساله و رسیدن به المپیک، بدون اصلاح شرایط فوتبال پایه، واقع بینانه نخواهد بود.

نیست و ناکامی فوتبال پایه ایران در ۲۵ سال اخیر را نمی‌توان نادیده گرفت. چرا وقتی مربی‌ای تیم نوجوانان را قهرمان آسیا می‌کند، به جای سپردن تیم جوانان به او، دیگر فرصتی در اختیارش قرار نمی‌گیرد و تیم به مربی کم‌تجربه سپرده می‌شود؟ امروز افراد توانمند و باتجربه خانه نشین شده‌اند و در مقابل، بعضی مربیان ناآرام زده با انگیزه بالا مسئولیت می‌گیرند. نتیجه این رویکرد چیزی جز ناکامی نبوده است.

بی توجهی به بلوغ ذهنی بازیکنان چه تأثیری بر عملکرد تیم‌های پایه دارد؟

ما به یک مسیر شش ساله نیاز داریم تا بازیکنی که در دهه زیر ۲۱ سال قرار دارد، به آمادگی لازم برسد. به اعتقاد من، ۲۲ سالگی اوج توان بدنی فوتبالست و ۲۷ سالگی اوج تجربه اوست. پس از ۱۷ سالگی به بلوغ جسمی می‌رسند، اما بلوغ ذهنی آنها تا سال‌های بعد ادامه دارد. ما بیشتر به رشد جسمانی توجه می‌کنیم و از پرورش ذهنی و انگیزه بازیکنان غافل می‌شویم. بعضی بازیکنان حتی در سنین بالاتر نیز به بلوغ ذهنی لازم نمی‌رسند و برخی دیگر انگیزه کافی ندارند. حضور در جام جهانی یا جام ملت‌های آسیا به تجربه متناسب با آن رقابت‌ها نیاز دارد، اما ما این تجربه را نادیده می‌گیریم.

نیود برنامه ریزی منظم چه تأثیری بر همکاری باشگاه‌ها با تیم امید دارد؟

شاید باشگاه‌ها هم برای همکاری نکردن حق

امکانات مالی امروز وجود نداشت، اما افراد با عشق، علاقه و تعصب کار می‌کردند و باشگاه‌ها در اختیار سرمایه‌گذاران واقعی بودند.

آیا فوتبال ایران با کمبود استعداد روبه‌رو است؟

به اعتقاد من، مشکل فوتبال ایران کمبود بازیکن نیست، بازیکنان ما از نظر استعداد و درک فوتبالی ظرفیت بالایی دارند. اما ژاپن، کره جنوبی، امارات و حتی ازبکستان از ما پیش افتاده‌اند. بیست سال پیش، کشورهای حوزه خلیج فارس در دانش و تجربه فوتبالی فاصله زیادی با ایران داشتند و انتقال اطلاعات به زمین مبارقه برایشان دشوار بود، اما با کار مداوم پیشرفت کردند. امروز فوتبال ایران در تیم‌های پایه از نیروهای کمی توانمند برخوردار نیست. من عذاب می‌کشم وقتی می‌بینم برای ثبت‌نام بازیکنان پایه از مبالغ ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان صحبت می‌شود و بعد وعده‌هایی می‌دهند. فوتبال پایه باید محل پرورش استعداد باشد، نه فضایی که خانواده‌ها برای ورود فرزندانشان با چنین مشکلاتی روبه‌رو شوند.

نقش دانش مربیان و اعضای کمیته‌های فدراسیون رادر ناکامی فوتبال پایه چگونه می‌بینید؟

فدراسیون باید در انتخاب سرمربیان نهایت دقت را به خرج دهد و از مربیان جدید با تفکرات تازه استفاده کند. متأسفانه سطح دانش و اطلاعات بین‌المللی برخی اعضای کمیته‌های فدراسیون کافی

مهم‌ترین دلیل عقب ماندگی فوتبال ایران تیم امید را چگونه ارزیابی می‌کنید آیا اومی تواند طلسم ناکامی های این تیم را بشکند؟

انتخاب یحیی گل محمدی را باید به فال نیک گرفت. او کارش را بلد است، شخصیت خوبی دارد و برای فعالیت در سطح باشگاهی و فوتبال آسیا هم بی تجربه نیست. از طرف دیگر، درک خوبی از فوتبال دارد. همان‌طور که علی دوستی مهر توانست تیم نوجوانان ایران را قهرمان آسیا کند، من هم به موفقیت گل محمدی امیدوارم. او چهره‌ای ارزنده در فوتبال ایران است و توانایی کمک به تیم امید را دارد. این انتخاب شایسته است، البته موفقیت او به شرایطی بستگی دارد که فدراسیون و باشگاه‌ها فراهم می‌کنند. اما با ادامه این وضعیت، حتی اگر موریزیون هم به سرمربیگری تیم امید منصوب کنیم، با این ساختار و سیستم، شناسی برای موفقیت این تیم نخواهیم داشت.

برای هموار شدن مسیر صعود تیم امید به المپیک ۲۰۲۸ چه باید کرد؟

مستولان فدراسیون باید تفکر جدیدی پیدا کنند و از همه کسانی که در فوتبال تجربه دارند، کمک بگیرند. در دنیا هنگام انتخاب مربی، درباره سابقه و مسیر یادگیری او تحقیق می‌کنند تا مشخص شود دانش و تجربه لازم را دارد یا نه. خوشبختانه گل محمدی به راحتی می‌تواند به این پرسش پاسخ بدهد، چون سابقه بازی در بهترین باشگاه‌های ایران را دارد. متأسفانه در این مدت حرف‌های زیادی زده شده و در کمیته‌های مختلف فدراسیون افرادی را می‌بینیم که با وجود نداشتن سابقه و تجربه کافی، به پست‌های مختلف رسیده‌اند و در برابر شکست تیم‌های پایه هم پاسخگو نبوده‌اند. گل محمدی با وجود توانایی هایش، اگر در چنین شرایطی کار کند، مسیر دشواری پیش رو خواهد داشت. موفقیت یک مربی به ساختار مدیریتی درست، تصمیم‌های اصولی و حمایت همه جانبه نیاز دارد.

روایت یکی از سرمربیان پیشین تیم امید از مشکلات ساختاری

ساختار فوتبال ایران باید تغییر کند



فدراسیون به تیم امید، ادامه داد: «وقتی فدراسیون فوتبال همان اهمیتی را که برای تیم نوجوانان قائل است، برای تیم امید هم به نظر می‌گیرد و تدارکات و امکانات لازم را فراهم نمی‌کند، نباید انتظار نتیجه متفاوتی داشت. این بازیکنان در باشگاه‌های لیگ برتری بازی می‌کنند و در آینده نزدیک، دست‌کم چهار یا پنج نفر از آنها می‌توانند به تیم ملی بزرگسالان راه پیدا کنند. پس سرمایه‌گذاری روی تیم امید، سرمایه‌گذاری برای آینده فوتبال ایران است.»

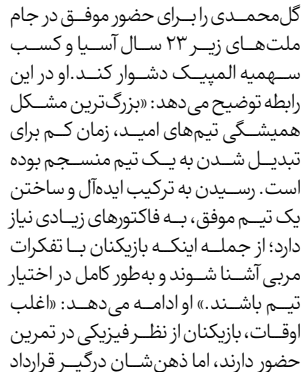
او معتقد است که انتخاب مربیان بزرگ

فدراسیون به تیم امید، ادامه داد: «وقتی فدراسیون فوتبال همان اهمیتی را که برای تیم نوجوانان قائل است، برای تیم امید هم به نظر می‌گیرد و تدارکات و امکانات لازم را فراهم نمی‌کند، نباید انتظار نتیجه متفاوتی داشت. این بازیکنان در باشگاه‌های لیگ برتری بازی می‌کنند و در آینده نزدیک، دست‌کم چهار یا پنج نفر از آنها می‌توانند به تیم ملی بزرگسالان راه پیدا کنند. پس سرمایه‌گذاری روی تیم امید، سرمایه‌گذاری برای آینده فوتبال ایران است.»

او معتقد است که انتخاب مربیان بزرگ

حمید درخشان، بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال در گفت و گو با «ایران»:

گل محمدی چراغ جادو ندارد؛ مشکل جای دیگری است



به تغییرات متعدد روی نیمکت تیم امید، ریشه ناکامی‌ها را فراتر از انتخاب سرمربی می‌داند و می‌گوید: «در حدود ۴۰ سال گذشته، نزدیک به ۱۸ مربی روی نیمکت این تیم نشسته‌اند؛ از مربیان باتجربه تا صاحب‌نام ایرانی. به هر شکلی که فکر می‌کنید، مربیان مختلفی هدایت این تیم را برعهده گرفته‌اند، اما نتایج کم‌وبیش یکسان بوده است. این موضوع نشان می‌دهد قطعاً گل محمدی چراغ جادو ندارد که در تیم امید از آن استفاده کند، مشکل این جای دیگری است.»

حمید درخشان، زمان محدود آماده‌سازی



به تغییرات متعدد روی نیمکت تیم امید، ریشه ناکامی‌ها را فراتر از انتخاب سرمربی می‌داند و می‌گوید: «در حدود ۴۰ سال گذشته، نزدیک به ۱۸ مربی روی نیمکت این تیم نشسته‌اند؛ از مربیان باتجربه تا صاحب‌نام ایرانی. به هر شکلی که فکر می‌کنید، مربیان مختلفی هدایت این تیم را برعهده گرفته‌اند، اما نتایج کم‌وبیش یکسان بوده است. این موضوع نشان می‌دهد قطعاً گل محمدی چراغ جادو ندارد که در تیم امید از آن استفاده کند، مشکل این جای دیگری است.»

حمید درخشان، زمان محدود آماده‌سازی